

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

نکاتی پیرامون يوم الله نهم دی

به مناسبت این که امروز نهم دی ماه است باید یادآوری کنیم حماسه بسیار مهم 9 دی را، همان طوری رهبر معظم انقلاب فرمودند: جزء روزهای تاریخ ساز انقلاب شد و ملحق شد به روزهای بزرگ و ایام الله انقلاب. حقیقت 9 دی بالأخره در این خلاصه می شود که مردم هر جا ببینند دین در خطر است، اسلام در خطر است، مقدسات در خطر است و دشمن به صورت خیلی آشکار به دنبال تخریب اعتقادات و تخریب مقدسات است به میدان می آید و این حضور خودجوشی که مردم در 9 دی پیدا کردند و انقلاب را در همان زمان مجدداً بیمه کرد، انقلاب ما هم برخواسته از همین ارزش هاست، انقلاب ما یک حرکت سیاسی محض نبود، یک حرکتی که فقط بخواهیم یک حکومتی را عوض کنیم و حکومت دیگری بر سر کار بیاید جابجایی در قدرت نبود، انقلاب ما انقلاب دینی بود، برای حفظ دین، امام خمینی رضوان الله علیه، مردم، شهدا، این همه اینارگری ها، تماش برای حفظ دین و دیانت بوده است.

امروزه انسان می بیند که واقعاً این انقلاب در دوران معاصر در حفظ و ابقای دین چقدر اثر داشت؟ ما گاهی اوقات یک نگاه سطحی کرده و می گوئیم قبل از انقلاب مردم دین دارتر بودند، تقید مردم به دین بیشتر بود، اما الآن این همه فسادها و این همه دزدی ها، این همه اختلاف ها، کشوری که مردم شان این همه پرونده دارد در قوه قضائیه کشف از این می کند که اعتقاد به دین کم است و الا اگر اعتقاد به دین باشد کسی حق دیگری را ضایع نمی کند، اما ما وقتی می خواهیم قضاوت کنیم باید جایگاه دین در عصر حاضر را در کل جهان اینطور قضاوت کنیم، بعد از انقلاب دین چه جایگاهی پیدا کرد در مجموعه عالم بشری؟ اولاً قبل از انقلاب اسمی از شیعه و اهل بیت و ائمه علیهم السلام در دنیا مطرح نبود، اصلاً مذهب شیعه را بلا تشبیه وقتی الآن به ما می گویند اباضیه (فرقه ای از خوارج)، می گوئیم اباضیه چه کسانی هستند؟ الآن از 80 میلیون ایرانی سؤال کنند اباضیه چیست؟ یک گروه اقل قلیلی هستند از مردم. در دنیا شیعه اینطوری مطرح بوده است.

اما امروز شیعه در عالم مطرح شد، کشورهای اروپایی، کشورهای آفریقایی، کشورهای مختلف، مسئله شیعه یک امر بسیار مهمی است تا درون کاخ کرملین نفوذ کرده است. می خواهیم بگویم آنها به حقیقت شیعه پی بردند، درون کاخ های قدرتمند و مهم دنیا امروز شیعه به عنوان یک مذهب قوی، محکم، انسان های غیور، مقاوم مطرح است، این را باید معیار قرار بدهیم، حالا از جهت ظاهری درست است. من نمی خواهم بگویم اینها باید نادیده شود باید به اینها هم توجه شود و فکری برایش بشود، ولی اساس این دین امروز به برکت این انقلاب قوت پیدا کرد.

ما باید کل مجموعه بشری را ببینیم، کل مجموعه بشری دین به میدان آمده، این آماری است که خود کشورهای اروپایی می دهند که می گویند تا 2050 یعنی 30 سال دیگر یک سوم اروپا را مسلمین گرفته اند، یک سوم اروپا را اسلام می گیرد، اینقدر رو به گسترش است. بعد دشمنی ها اینقدر زیاد شده با اسلام، با شیعه، با انقلاب، اصلاً مخالفتشان با انقلاب ما نه مخالفت با یک

حکومت است مخالفت با اسلام است یعنی اسلام نباید مطرح باشد، حرف اصلی اسرائیل این است که اسلام نباید مطرح باشد، نه شیعه و نه سنی، اسلام را باید کنار بگذارید، این امروز محقق شده که درست نقطه مقابل آنچه که اینها دنبالش بودند، اینها که گفتند دهکده جهانی، می‌خواهند یک دهکده جهانی درست کنند که از اسلام هیچ ردپایی نباشد، از دین هیچ رد پای نباشد.

به هر حال، اینطور باید قضاوت شود واقعاً انقلاب ما برای اسلام است، ما هم وقتی می‌خواهیم قضاوت کنیم باید همه این جهات را در نظر بگیریم، حالا فلان مسئول خیانت کرد، اختلاس کرد، فلان مسئول دشمنی کرد، اینها امری است که برای انسان بسیار ناگوار است ولی غیر متوقع هم نیست، انسان است، انسانی است که بالأخره یک مسئولیتی را به او دادند به جای اینکه برای آخرت خودش این را طریق قرار بدهد برای دنیای خودش طریق قرار داده ولی وقتی اساس را ملاحظه می‌کنیم این چنین است.

نهم دی از روزهایی است که مردم دین خودشان را به انقلاب و به دین و اسلام ادا کردند، همین مردم با همه این مشکلات، گرانی‌ها، بیکاری‌ها، فساد و فقر، که واقعاً هر تعبیری از این تعابیر برای یک انسانی که دلسوز است خردکننده است نمی‌خواهیم بگوئیم اینها عادی است، ولی با همه این مشکلات باز مردم آمدند پای انقلاب و پای اسلام ایستادند و امروز هم که بحمدالله در ساعت 10 به بعد تجمع هست ان شاء الله آقایان حضور پیدا کنید و شرکت کنید.

باید این انقلاب را حفظ کنید می‌بینید، این تعبیری که رهبری معظم انقلاب در سال 88 در نماز جمعه‌شان فرمودند: گرگ‌های گرسنه‌ای که در کمین این انقلاب نشستند دنبال این هستند که همه چیز را از بین ببرند، می‌خواهند نه حوزه‌ای باشد، نه ایران باشد، نه استقلالی باشد، یک کشوری باشد به عنوان غلام حلقه به گوش اینها، هر طوری بخواهند او را دستور بدهند.

40 سال است ایران در مقابل آمریکا ایستاده، 40 سال است روزی نیست که در دولت آمریکا و در کاخ سفید نگرانی راجع به ایران و اضطراب نداشته باشند، این کم کاری است؟! اگر ما این مسائل ظاهری عبادات را یک طرف قرار بدهیم، مبارزه با ظلم، البته نمی‌گویم این باشد و او نباشد، همه سر جای خودش باید باشد، اما خود «فَضَّلَ اللهُ الْمَجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ»^[1] که ما در قبل از انقلاب این آیه را زیاد می‌خواندیم در حرکت انقلاب هم همینطور، حالا اگر یک کسی عمری را در خانه‌اش عبادت کند، یک عالمی یک عمری مشغول عبادت و درس و بحث خودش باشد اما یک روز برای اسلام در مقابل کفر فریاد نزده، متون دینی ما می‌گوید: این فریاد بر همه این عبادت‌ها می‌چربد و ارزش دارد، این فریاد اگر برای خدا باشد برای ولایت خدا باشد، ما که می‌گوئیم ولایت فقیه چون ولایت فقیه پرتویی از ولایت ائمه (علیهم السلام) است، پرتویی از ولایت رسول خداست، پرتویی از ولایت خداست و الا یک چیزی نیست که در عرض او بخواهد باشد اصلاً منجر به شرک می‌شود.

ما می‌خواهیم ولایت خدا، این انقلاب ما می‌گوید: باید خدا بر انسان حاکم باشد نه ترامپ، نه اسرائیل، نه قدرت‌های ظالم، انسان مخصوصاً انسان مسلمان فقط خدا ولی اوست، «اللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ آمَنُوا»، این داشت از بین می‌رفت، قبل از انقلاب ولی ما پهلوی بود، خاندان رذل و فاسد پهلوی بود، اینها ولی این کشور بودند اما امروز ولایت خداست؛ یعنی آن کسی که به عنوان ولی فقیه است حرفش به خاطر اینکه حرفی از ناحیه خدا به جامعه منتقل می‌کند ما به این عنوان مطاع می‌دانیم.

بنابراین باید این انقلاب را حفظ کرد، باید این انقلاب را مراقبت کرد. روحانیت هم الآن ببینید بالأخره شرایط برای روحانیت روز به روز بدتر می‌شود ولی ما باید مقاوم باشیم، سیل تهمت‌ها، اهانت‌ها، آذیت‌ها، آزارها، ممکن است، اکثر طلبه‌های ما که رفتاری عادی زندگی خودشان کمرشان را خم کرده متأسفانه، وضع معیشت طلبه‌ها امروز بدترین وضع معیشت در اقشار جامعه است و متأسفانه در ذهن مردم هم عکس این را مطرح کردند، زمانه‌ی ما این چنین شده، باید ایستاد و این انقلاب را حفظ کرد.

البته ما از اول اعتقاد داشتیم این انقلاب، انقلاب الهی و خدایی است، دست خدا را در جای جای پیروزی انقلاب، قبل و بعد از پیروزی همه دیدیم، این تحولی که در این کشور به وجود آمد، حالا هم باید اخلاصمان را بیشتر کنیم، توجه مان را به خدا بیشتر کنیم تا این که خدا عنایتش را بیشتر کند و این انقلاب بماند ان شاء الله.

خلاصه بحث گذشته

بحث در این مسئله بسیار مهم سه مرحله دارد:

1. یک مرحله این که وقتی استطاعت حاصل شد قاعده اولی چیست؟ باز تکرار می‌کنم ما عنوان بحث را برخلاف قوم عوض کردیم؛ یعنی توسعه دادیم و اختصاص به استطاعت مالی ندارد. وقتی استطاعت حاصل شد به جمیع خصوصیات، اینجا گفتیم قاعده می‌گوید: همان طوری که تحصیل موضوع لازم نیست، حفظ الموضوع هم لازم نیست و اذهاب الموضوع به حسب قاعده اشکالی ندارد.

2. بحث دوم در خصوص ما نحن فیه یعنی استطاعت است، گفتیم اینجا هفت راه ذکر شده بر این که در ما نحن فیه «لایجوز اتلاف الاستطاعة و اذهاب الاستطاعة»، باید بعد از این که استطاعت حاصل شود آن را حفظ کرد.

3. بحث سوم این است که استطاعت از چه زمانی باید حفظ شود؟

در بحث دوم به دلیل پنجم رسیدیم و دلیل پنجم این بود که ما از راه واجب معلق وارد شویم. توضیح این دلیل و اشکالی که مرحوم شاهرودی داشت را ذکر کردیم و ما مناقشه‌ای که در فرمایش مرحوم شاهرودی داشتیم را نیز بیان کردیم. به نظر ما این راه محکمی است هر چند مرحوم شاهرودی نپذیرفته و به استناد آن دو فرعی که از محقق نائینی (قدس سره) بیان کرد ایشان گفت پس اذهاب موضوع مانعی ندارد و اما مسئله را مطرح کرد که زاد و راحله اگر متعلق المتعلق باشد این دلیل تمامیت دارد، اما اگر خودش موضوع باشد این دلیل تمامیت ندارد. در پاسخ گفتیم: فرقی که مرحوم نائینی در آن دو فرع گذاشته شده درست نیست و هر دوی آن از یک وادی است.^[2]

تبیین راه پنجم

مرحوم خوئی تقریباً از همین راه مسئله را تمام کرده، این چه راهی است؟ می‌گوییم اگر یک وجوبی تنجز پیدا کرد بعد از تنجز وجوب عقل می‌گوید: «تعجیز الانسان نفسه عن الامتثال قبیح». وجوب حج وقتی استطاعت مالی، بدنی و طریقی می‌آید تنجز پیدا می‌کند، وقتی تنجز پیدا کرد عقل می‌گوید: شما حق نداری کاری کنی که خودت را تعجیز کنی. مثالش در واجب منجز خیلی روشن است، الآن اذان ظهر را گفتند آب هم اینجا برای وضو گرفتن موجود است، شما اگر بخواهید این آب را دور بریزید، یا طهارت ترابیه پیدا کنید یا اگر آب و خاک وجود دارد هر دو را بخواهید نابود کنید و از بین ببرید، عقل می‌گوید: این کار جایز نیست و حرام می‌شود. در واجب معلق نیز همین‌طور است.

در واجب منجز وجوب فعلی است و واجب هم فعلی، اما در واجب معلق وجوب فعلی است و واجب چند ماه دیگر می‌خواهد محقق شود. درست است در واجب معلق قدرت در ظرف خود واجب معتبر است؛ یعنی لازم نیست من الآن قبل از وقت قدرت داشته باشم، اگر در ظرف واجب قدرت داشته باشم باید انجام بدهم، اما کسی که علم دارد به این که در ظرف واجب قدرت دارد آیا از حالا می‌تواند خودش را عاجز کند یا این که عقل اینجا می‌گوید: اگر تو قدرت داری از حالا باید کاری کنی که قدرتت حفظ شود؟ می‌گوئیم عقل چنین حکمی دارد و این نکته بسیار ظریفی است.

به بیان دیگر، در واجب معلق کسی به ذهنش نیاید که هنوز ظرف واجب نیامده، شما هم که می‌گوئید قدرت در کجا لازم است؟ در ظرف واجب لازم است، چرا من از حالا این پول خودم را برای ایام حج حفظ کنم؟ صحت البدن را حفظ کنم برای ایام الحج؟ می‌گوییم برای این که عقل می‌گوید وقتی وجوب تنجز پیدا کرد تعجیز قبیح است. یکی از انواع تعجیز آن است که تو اگر الآن قدرت داری که قدرت خودت را در ظرف واجب حفظ کنی، عکسش عمل کرده و خودت را از حالا مریض کنی که در ا شهر حج نتوانی حج بروی، عقل می‌گوید قبیح است.

بنابراین آن تقبیحی که عقل نسبت به تعجیز دارد در این بیان می‌آید که می‌گوید: «يجب حفظ القدرة على القدرة في ظرفه»؛ شما اگر در ظرف خودش قدرت داری و از الآن قدرت را حفظ کن برای این که در ظرف خودش قدرت داشته باشی، لذا با این بیان می‌گوئیم وقتی که واجب معلق وجوبش منجز شد (به تعبیر مرحوم خوئی) باید وجوب تنجز پیدا کند تا حکم عقل به میدان بیاید، قبل تنجز الوجوب عقل می‌گوید حکمی نیست، قبل الاستطاعة حکمی وجود ندارد و عقل هم حکمی ندارد، اما بعد که وجوب تنجز پیدا کرد عقل به میدان می‌آید می‌گوید تعجیز قبیح است، می‌گوید: باید از حالا قدرت خودت را، حتی قدرت مالی را برای انجام حج در ظرف خودش حفظ کنی.

بنابراین در اینجا به این دلیل می‌توانیم بگوئیم که مکلف بعد از این که پول پیدا کرد، قدرت بدنی پیدا کرد، حتی تخلية السرب هم هست حق اذهاب اینها را ندارد.

ارزیابی اشکال مرحوم شاهرودی بر راه پنجم

در فرمایش مرحوم شاهرودی یک مغالطه‌ای شده و آن این که بین تغییر و تبدیل موضوع با اتلاف موضوع خلط شده است، در آن مثال حضر، همه از باب تبدیل موضوع است، شما الآن در وطن هستی نماز را تمام می‌خوانی و مسافر که می‌شوی نماز شکسته می‌شود، در وطن روزه می‌گیری و مسافر می‌شوی روزه بر تو حرام می‌شود، تبدیل موضوع مانعی ندارد و عقل نمی‌گوید: تبدیل موضوع اشکالی دارد، اما وقتی به عقل مراجعه می‌کنیم می‌گوید انعدام موضوع که مستلزم تعجیز از امتثال است قبیح است؛ یعنی عقل می‌گوید در جایی که موضوع را بعد از اینکه حکم منجز می‌شود از بین ببری قبیح است.

نکته شایان ذکر آن که بحث از ملازمه در احکام عقلیه در سلسله علل است، در احکام عقلیه در سلسله علل مرحوم خوئی ملازمه را منکر است ما نیز (که کوچک‌ترین تلامذهی ایشان هم حساب نمی‌شویم) منکریم، ولی اینکه در اینجا می‌گوئیم عقل حکم به تعجیز می‌کند، بحث قانون ملازمه نمی‌آید بلکه بحث امتثال است. امتثال بعد تنجز الحکم است، در امتثال که قاعده ملازمه نمی‌آید، الآن شارع می‌فرماید: «اقیموا الصلاة»، عقل به شما می‌گوید: «يجب الامتثال»، آیا در اینجا هم می‌گوئید قانون ملازمه می‌آید؟!

بنابراین در نماز موضوع حضر است، این موضوع حضر را تبدیل به سفر می‌کند و در سفر روزه حرام است، آنجا حرمت را امتثال می‌کند. اساس کلام ما راجع به واجب معلق است که مرحوم شاهرودی می‌خواهند خراب کنند، به نظر ما حرف محکمی است. هر جا مستلزم تعجیز از امتثال بشود این قبیح است، جایی که مستلزم تبدیل به یک امتثال دیگر بشود مانعی ندارد.

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين.

[1] □ سوره نساء، آیه 95.

[2] □ «(الخامس)۔ قد مر سابقاً أن الحق هو صحة الواجب المعلق فبمجرد تمامية الاستطاعة و تحققها جامعة للشرائط يحكم

بوجوب الحج عليه و لو كان في أول السنة، لأن الوقت بناء على هذا المبنى ليس دخيلاً في موضوع وجوب الحج كما مر بيانه مفصلاً، فيحكم بوجوب حفظ ماله لتحقيق موضوعه مقدمة للعمل إذا توقف الحج عليه. و أما إذا لم يتوقف حجه على صرف المال بان تمكن من الحج متسكعاً، أو بالخدمة، فجاز له الإتيان و لكن عليه الحج متسكعاً. و فيه: أنه انما يتم لو فرضنا عدم موضوعية الزاد و الراحلة لوجوب الحج و كونهما من قبيل متعلق المتعلق. و اما إذا سلمنا موضوعيتهما فلا يتم ذلك. و هذا نظير ما ذكره المحقق النائيني- رضوان الله تعالى عليه- من أنه إذا دخل وقت الصلاة و كان متطهراً جاز له نقض الطهارة و لو مع فرض فقدان الماء و أما إذا لم يكن متطهراً لكن كان عنده مقدار من الماء و انحصر الماء بذلك، أو لم يكن واجداً للماء و كان عنده مقدراً من التراب و لكن لم يكن له تراب غيره، فلا يجوز له إتلاف ذلك الماء أو ذلك التراب. و الفرق بين المسألتين: هو إن عنوان المتطهر موضوع للحكم فلا يحرم إذهابه. و اما الماء و التراب فليسا موضوعين له حتى يقال بجواز إتلافهما بل هو متعلق لمتعلق الوجوب هذا. و تحقيق ما ذكره المحقق النائيني صحة و سقماً موكل الى محله. و المقصود هنا أن الموضوع لا يحرم إذهابه و لا يجب إبقائه و لو في وقت الوجوب و الواجب المعلق ليس بأولى من الواجب التنجيزي و لم يتوهم أحد كون مقتضى القاعدة حرمة السفر في وقت وجوب الصوم أو الصلاة مع ان وجوبهما تنجيزي. و بالجملة قد تقدم أن الكبرى لا يدل على لزوم حفظ الصغرى و لا فرق في ذلك بين تسليم الواجب المعلق و إنكاره.» كتاب الحج (للشاهرودي)؛ ج 1، ص: 131-132.